

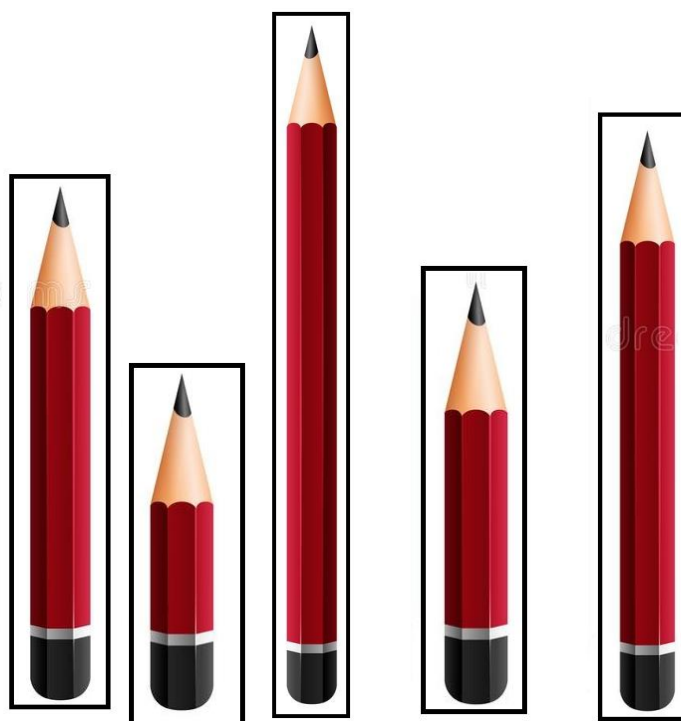
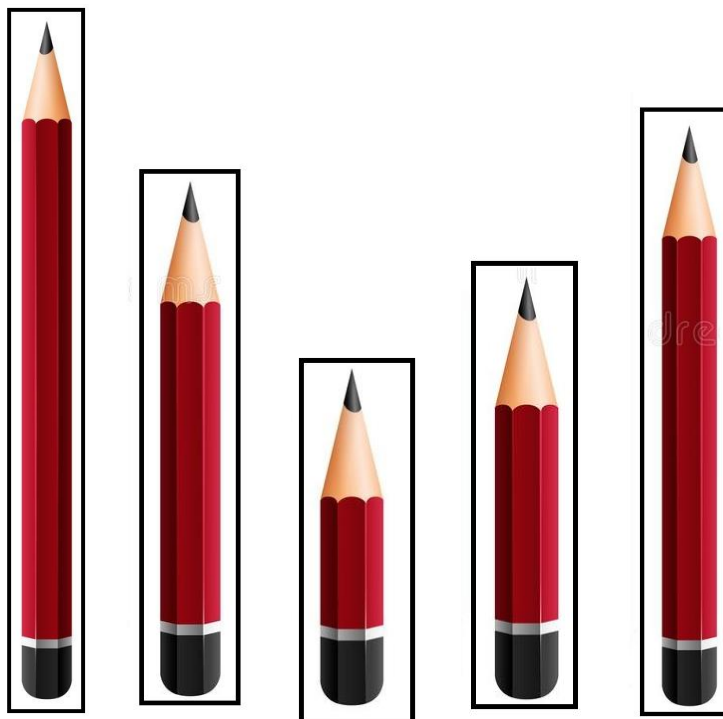
موضوع: ریاضی مرتب کردن از کوتاهترین به بلندترین و برعکس

شادی به جعبه لوازم التحریر بابا علاقه زیادی دارد. چون داخل آن پر از وسایل مختلف و مداد است. شادی دوست دارد با آن ها نقاشی های زیبایی بکشد، اما یک روز جعبه لوازم التحریر از دستش افتاد و تمام مدادها روی زمین ریختند.

شادی همینطور که مدادها را جمع می کرد فکری به ذهنش رسید. چه فکری؟

عزیزم به شادی کمک کن تا مدادها را از کاربردگ شماره ۵ بچیند و آنها را از کوتاهترین به بلندترین و بالعکس مرتب کند.

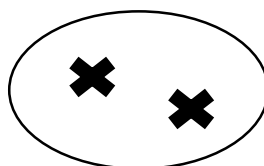
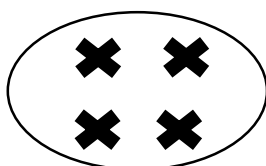
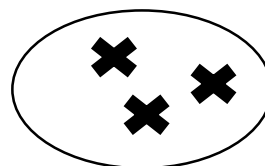
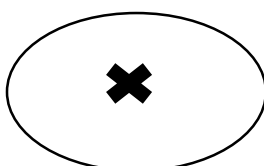
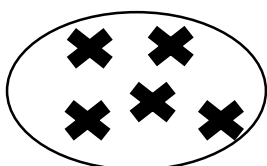
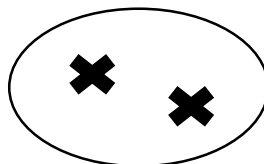
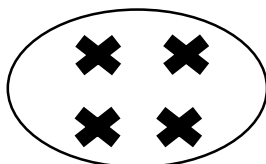
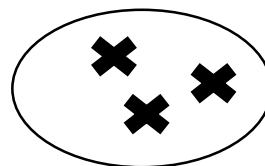
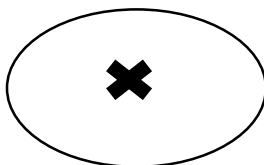
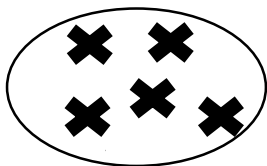
مازنینم با دقت به محیط خانه نگاه کن و چند چیز شبیه بهم (بطری، قاشق، لگو و ...) که اندازه های متفاوتی دارند را پیدا و سپس آن ها را از بلندترین به کوتاهترین مرتب کن.



موضوع : ریاضی مرتب کردن از بیشترین به کمترین

عزیزم از کاربرگ شماره ۶ شکل ها را با قیچی بچین و علامت های داخل آنها را بشمار.
سپس علامت ها را از بیشترین به کمترین و بالعکس مرتب کن.

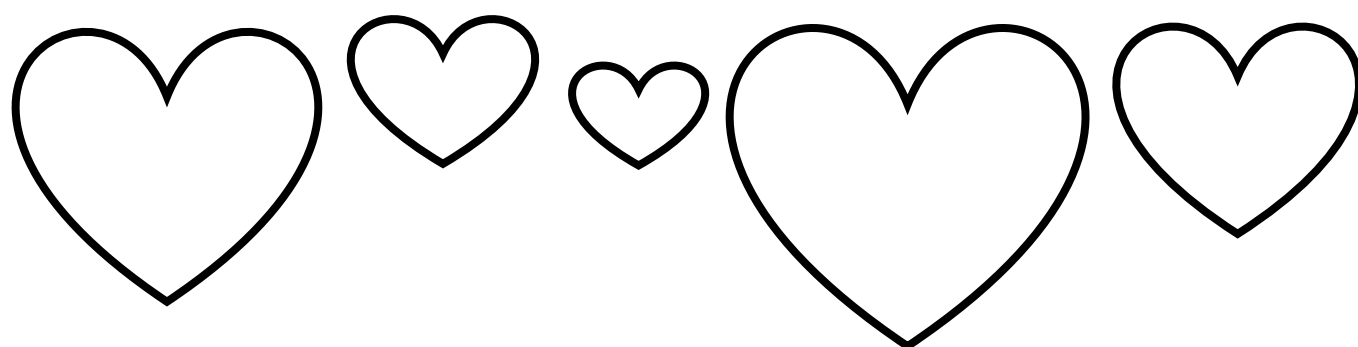
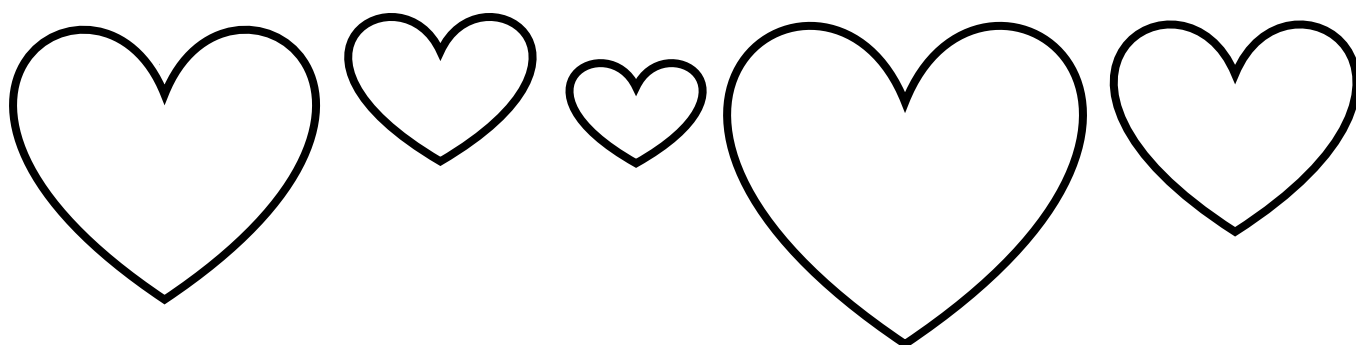
حالا خوب فکر کن و کاری دیگرمانند فعالیت بالا در خانه انجام بده.



موضوع: ریاضی مرتب کردن از بزرگترین به کوچکترین

عزیزم از کار برگ شماره ۷ قلب ها را قیچی کن، سپس آنها را بر اساس اندازه (از بزرگترین به کوچکترین و برعکس) مرتب کن.

مازنینم در خانه مواد یا وسایل مثل هم را که اندازه های مختلفی دارند (اسباب بازی ها ، میوه ها و ...) را از کوچکترین به بزرگترین و مرتب کن.



موضوع: ریاضی یکی در میان، وسط

یک روز مامان نیکو جان به نمایشگاه گل و گیاه رفت و تعدادی گل چند پر و گل لاله خرید. او وقتی به خانه برگشت با کمک نیکو جان گل ها را در گلدانها کاشت و سپس گلدانها را یکی در میان در یک ردیف کنار هم قرار داد. (یک گلدان گل چندپر و یک گلدان گل لاله و ...)

عزیزم گل ها را از کاربردگ شماره ۸ بچین و آن ها را یکی در میان در گلدان ها قرار بده.

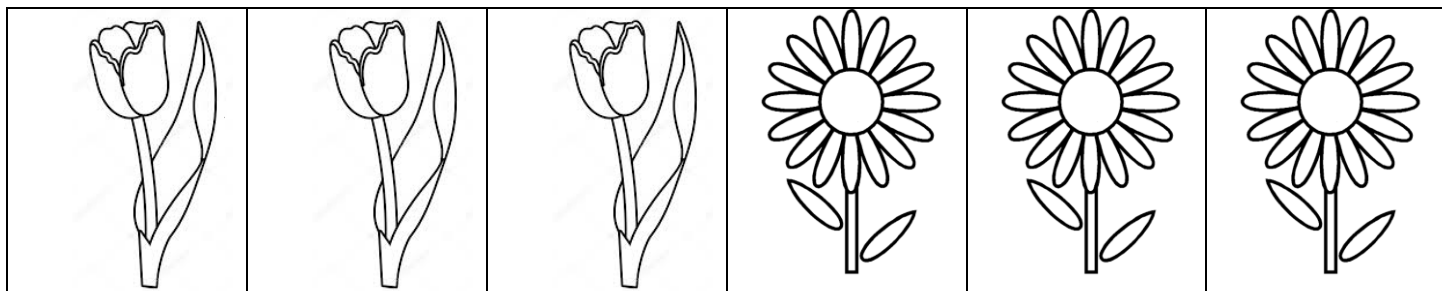


عزیزم مامان نیکو می خواهد گلدان وسط را پیدا کند و آن را به دخترش هدیه دهد تو می توانی به او کمک کنی؟

پس گلدان وسط را پیدا و آن را به دلخواه رنگ آمیزی کن.

عزیزم دو نوع میوه را انتخاب و آن ها را به صورت یکی در میان در یک ردیف قرار بده. سپس میوه ی وسط را پیدا و آن را نوش جان کن.

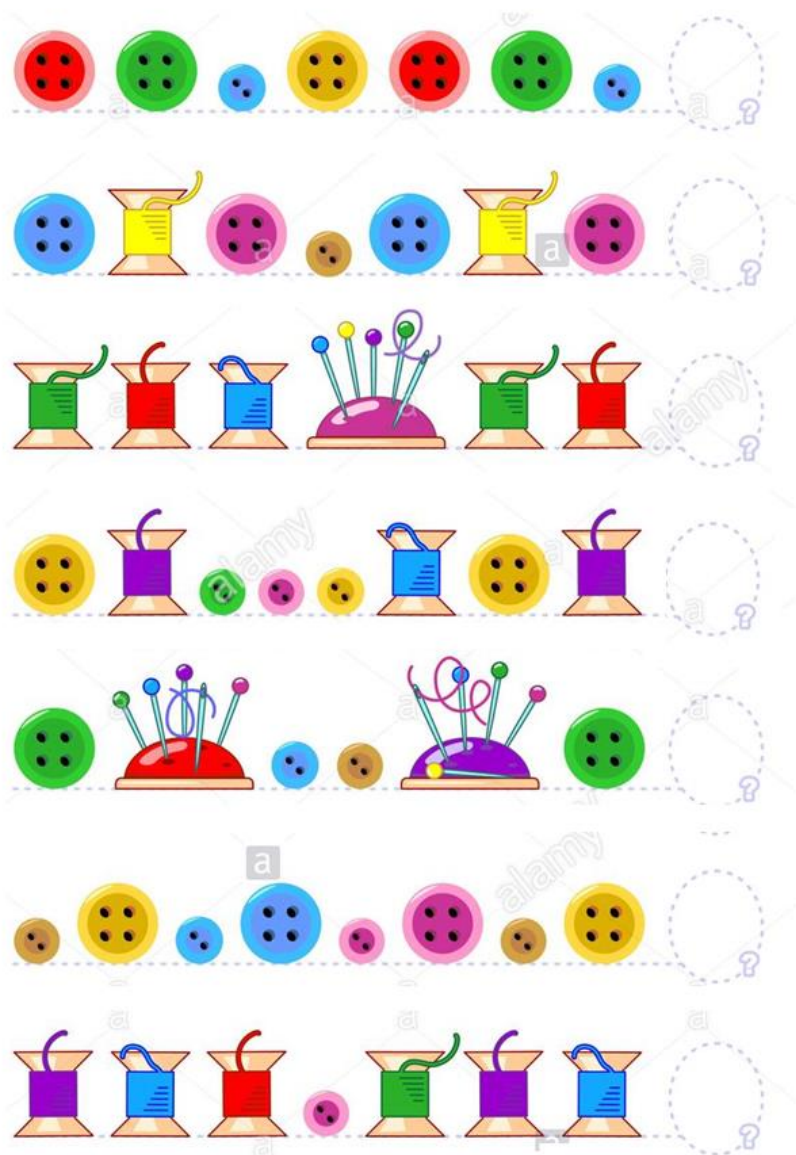
عزیزم دو نوع میوه را انتخاب و آنها را به صورت یکی در میان در یک ردیف قرار بده. سپس میوه وسط را پیدا و آن را نوش جان کن.



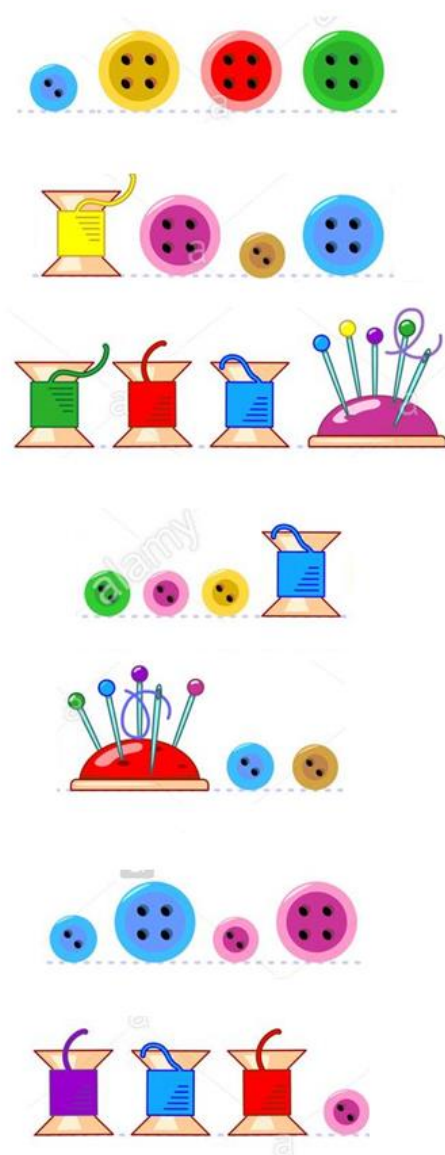
موضوع : ریاضی ترتیب و الگویابی

عزیزم شکل های هر ردیف را با صدای بلند به ترتیب نام ببر و دور تصویر مناسب جای خالی خط بکش.

تصویر ۱



تصویر ۲



موضوع: ریاضی

نماد و مفهوم عدد صفر

یک روز در مدرسه کلاغ ها خانم زاغی با بچه ها یک بازی ریاضی را اجرا کرد .

بازی به این صورت بود که جوجه کلاغ ها پس از شنیدن صدای قار قار خانم زاغی کارت های اعداد مختلف را از روی زمین جمع کرده و سپس آنها را به ترتیب در یک ردیف کنار هم قرار می دادند.

یک دفعه زاغچه با ناراحتی گفت: من کارت عدد صفر را دوست ندارم . چون این عدد از همه اعداد کمتر و کوچکتر و به معنی هیچ است . خانم زاغی با لبخند به طرف زاغچه آمد و به او گفت: عزیزم درست است که عدد صفر به تنهایی ارزشی ندارد و به معنی هیچ است اما وقتی جلوی عدد دیگری قرار می گیرد عدد جدیدی درست شده و ارزش پیدا می کند .

مثلا وقتی عدد صفر جلوی عدد یک قرار می گیرد عدد ده درست می شود که از اعداد قبل از خودش بزرگتر و بیشتر است .

خانم مربی ادامه داد زاغچه جان من از شما یک سوال می پرسم در کلاس ما چند روباه می بینی؟ زاغچه سریع جواب داد هیچ.

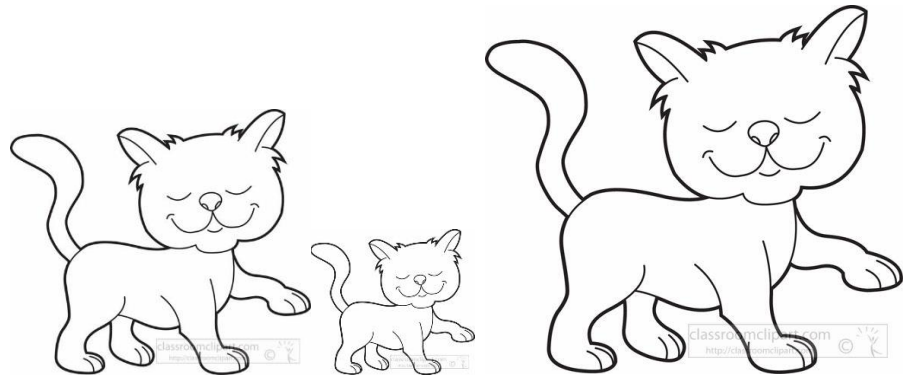
صفر چون ما همه پرنده هستیم و اینجا مدرسه کلاغ هاست .

خانم مربی همینطور که به طرف جوجه کلاغ های دیگر میرفت به زاغچه گفت :

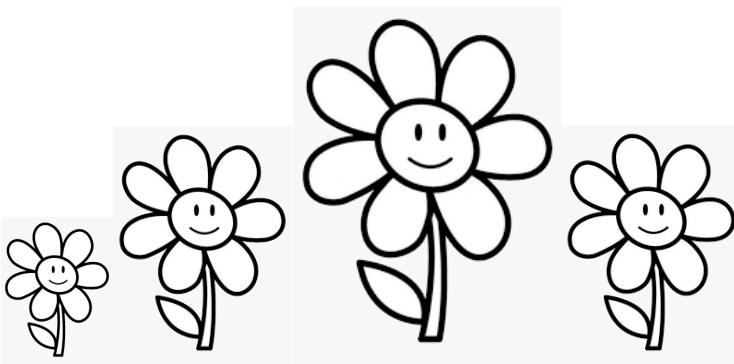
عزیزم حالا کارت عدد صفر را دوست داری؟.....

عزیزم قصه را ادامه بده و آن را به پایان برسان. سپس نماد عدد صفر را با خمیر یا گل یا نخ کاموا و ... درست کن.

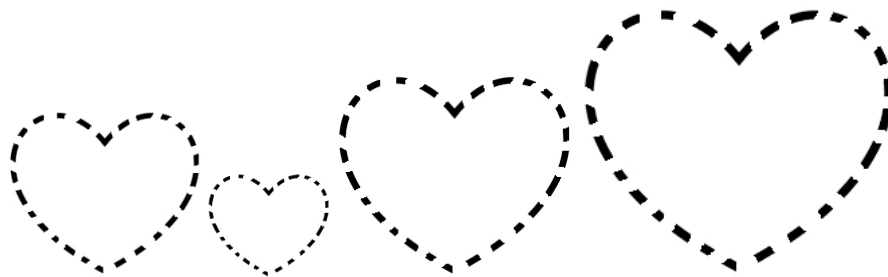
عزیزم دور شکل متوسط خط بکش.



عزیزم لطفا شکل های متوسط را رنگ بزن.



عزیزم شکل های متوسط را از روی نقطه چین کامل کن.



عزیزم چند شکل مثل هم اما با اندازه های مختلف بکش و سپس شکل های متوسط را رنگ آمیزی کن.

کاربرگ آبان ماه

زبان آموزی

تصویرخوانی

عزیزم به تصاویر نگاه کن و سپس با توجه به تصاویر یک قصه تعریف کن.



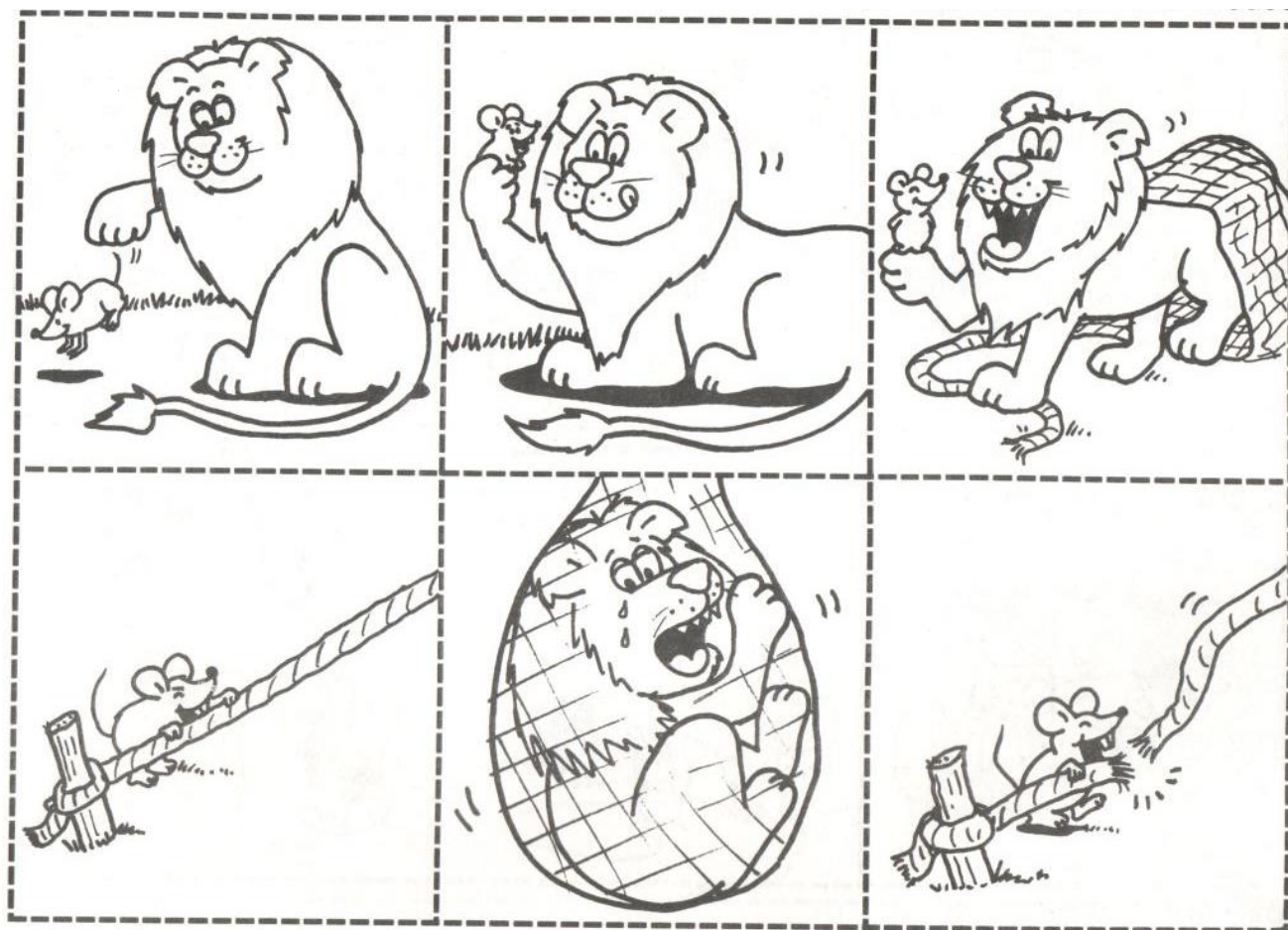
عزیزم به تصاویر نگاه کن و سپس با توجه به تصاویر یک قصه تعریف کن.



کارت داستان گویی

عزیزم ابتدا دور کارت ها را قیچی کن و با دقت به تصاویر نگاه کن.

سپس تصاویر را مرتب کن و یک قصه زیبا تعریف کن.



کارت داستان گویی

عزیزم ابتدا دور کارت ها را قیچی کن سپس با دقت به تصاویر نگاه کرده بعد از مرتب کردن آن ها، یک قصه زیبا تعریف کن.



خرگوش کوچولو

یکی بود یکی نبود باغی بود پر از گل های زیبا، باغبان از زحمتی که برای باغ کشیده بود بسیار راضی بود.

روزی خرگوش کوچولویی با دندان های سفید و بلند به باغ آمد و مشغول جویدن ریشه ی گیاهان باغ شد.

او با خود فکر کرد بهتر است : هویج های باغ را به لانه ام ببرم تا آنها را برای زمستان آذوقه کنم.

همینطور که خرگوش کوچولو سرگرم جمع آوری هویج ها بود باغبان متوجه شد و با ناراحتی گفت: من تمام مدت از هویج ها مراقبت کردم تا آن ها رشد کنند. حالا تو می خواهی بدون اجازه هویج ها را با خود به لانه ات ببری؟

یکدفعه خرگوش متوجه رفتار اشتباه خود شد و با ناراحتی به باغبان گفت: ای باغبان مهربان غصه نخور من چگونه می توانم رفتار اشتباهم را جبران کنم؟

باغبان سکوت کرد و گفت: خرگوش کوچولو تو می توانی هر روز به اینجا بیایی و هویج های این باغ را به طور منظم آبیاری کنی.

خرگوش کوچولو با خوشحالی قبول کرد و تصمیم گرفت از این به بعد بدون اجازه به وسایل دیگران دست نزند.

عزیزم لطفا مترادف کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است را بگو.

شنگول منگول حبه ی انگور

یکی بود یکی نبود. شب بود و هوا بسیار سرد بود. مامان بزی پتو را روی بزغاله های کوچک کشید تا گرم شوند. و گفت نازدانه های من فردا صبح برای پیدا کردن غذا به جنگل می روم. گرگ ناقلا در این نزدیکی خانه ای دارد حواستان باشد در خانه را به روی هیچکس باز نکنید. تا من از جنگل برگردم.

شنگول که برادر بزرگتر بزغاله ها بود گفت: مادر نگران نباش من مراقب برادر و خواهر کوچکتر خود هستم. روز شد بزغاله ها از خواب بیدار شدند شنگول گفت: بچه ها من گرسنه هستم اما حبه ی انگور گفت: ولی من می خواهم بازی کنم. منگول هم گفت: بعد از خوردن صبحانه همه با هم بازی می کنیم در همین هنگام صدای در زدن بلند شد. تق تق تق.

شنگول گفت: کیه کیه در می زنه؟ درو با لنگر می زنه؟

صدایی از پشت در گفت: منم منم مادرتون غذا اوردم براتون.

حبه ی انگور گفت: اگر تو مادر ما هستی دستت را از زیر در به ما نشان بده. همان صدا دوباره گفت: دست من روی در است.

حبه ی انگور دوباره گفت: من که دستت را نمی بینم لطفا دستت را از زیر در به ما نشان بده.

بزغاله ها یک صدا گفتند اینکه دست مادر ما نیست دست تو سیاه و دست مادر ما سفید.

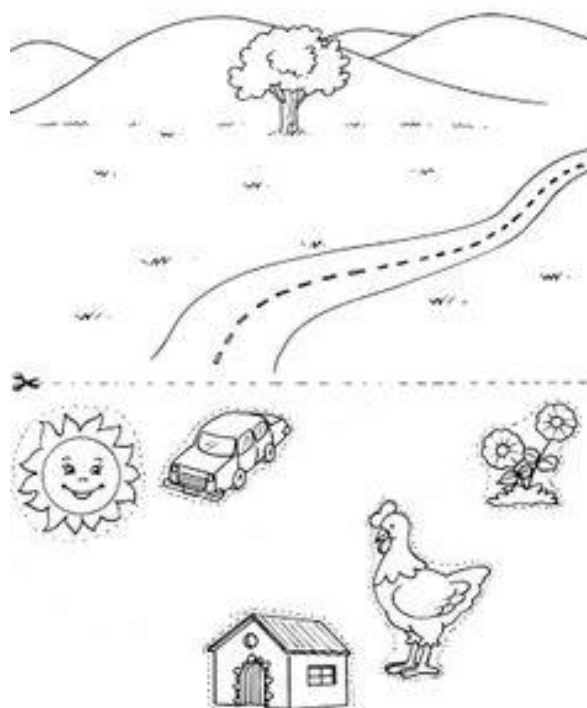
تو آقا گرگه هستی که می خواهی ما را گول بزنی.

یک دفعه صدای مامان بزی به گوش رسید. مع مع مع.

آقا گرگه تو اینجا با بچه های من چیکار داری؟

در همین موقع آقا گرگه پا به فرار گذاشت و مامان بزی یک سبد پر از علف را کنار در خانه خالی کرد و سپس بزغاله ها را در آغوش کشید.

عزیزم تصاویر زیر را قیچی کن در جاهای مختلف تصویر بالا بچسبان و سپس با هر کدام از تصاویر چسبانده شده یک جمله بساز.

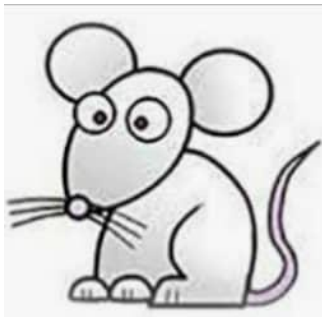


زبان آموزی

هم آغاز (آ)

عزیزم یک کلمه را که با صدا یا آوای « آ » شروع می شود ، نام ببرید و شکل آن را نقاشی کنید.

عزیزم به تصاویر زیر با دقت نگاه کنید و تصاویری را که با صدا یا آوای « آ » شروع می شود ، رنگ کن .



کاربرگ آبان ماه
علوم

آزمایش علوم 99/8/3

گیره های شناور
پیش بینی:

عزیزم اگر دو گیره کاغذ را داخل ظرف آب بیاندازیم چه اتفاقی می افتد؟

نتیجه:

پیش بینی:

حالا اگر گیره ها را روی دستمال کاغذی تا زده بگذاریم و سپس دستمال را داخل ظرف آب بگذاریم چه اتفاقی می افتد؟

نتیجه:

نکته: والدین عزیز کودکان می توانند این فعالیت را با گواش، پاستل،مداد رنگی و ... انجام دهند.

آزمایش علوم 99/8/10

آشپزی: درست کردن سوپ

پیش بینی:

عزیزم به نظرت برای درست کردن یک سوپ خوشمزه به چه موادی نیاز داریم.

آن ها را به تصویر بکش.

نتیجه:

گلم مراحل درست کردن سوپ را به ترتیب توضیح بده.

آزمایش علوم 99/8/17

ترکیب رنگ فرعی

نارنجی

پیش بینی:

عزیزم فکر میکنی اگر رنگ زرد و قرمز را با هم قاطی کنیم چه اتفاقی می افتد؟

حالا دو رنگ خمیر را بردار و امتحان کن.

نتیجه:

نکته: والدین عزیز کودکان میتوانند این فعالیت را با گواش، پاستل، مدادرنگی... نیز انجام دهند.

آزمایش علوم 99/8/24

طبقه بندی اجسام در بطری

پیش بینی:

عزیزم اگر در یک بطری مقداری آب، روغن و عسل بریزیم سپس در بطری را بسته و آن را چندین بار تکان بدهیم و در آخر بطری را ثابت نگه داریم چه اتفاقی می افتد؟

نتیجه:

پیش بینی:

عزیزم حالا اگر اشیایی مانند پیچ، مهره، چوب کبریت، میخ و... را درون بطری بیندازیم و بعد از بستن در بطری آن را تکان بدهیم و سپس در جای ثابت نگه داریم چه اتفاقی می افتد؟

نتیجه:

نکته: والدین عزیز، نتایج به صورت نقاشی و توضیح کودک ثبت شود.